

جایگاه تربیت سیاسی و نقش آن در پیشگیری از رخنه های سیاسی - فرهنگی در انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

سهیل رحیمی^۱

هادی جعفریان^۲

حسین برخی^۳

چکیده

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، فرهنگ به دلیل تأثیرگذاری بر ذهنیت و رفتارهای فردی، اجتماعی و گرایش های سیاسی دارای اهمیت ویژه است. روی آوردن دشمن به مبارزه فرهنگی سبب شده است لزوم توجه مسئولان فرهنگی به مقوله فرهنگ، به یکی از دغدغه های مهم رهبران انقلاب ایران تبدیل شود؛ بنابراین، لذا از منظر حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، یکی از تهدیدات مهم حوزه فرهنگ، رخنه فرهنگی دشمن است که نیازمند اقدامات پیش دستانه و پیشگیری های آگاهانه است و در نتیجه تقویت اجزای اصلی فرهنگ اسلامی و ملی کشور و پاسداشت آن در برابر نفوذ، رخنه و تأثیر فرهنگ غربی در پرتو تربیت سیاسی صحیح و مناسب در تمامی ابعاد و ویژگی آن را می طلبد؛ به گونه ای که منجر به تأثیرگذاری مستقیم و غیر مستقیم بر مدیران، تصمیمات کلان و سیاستگذاری های آموزشی - تربیتی و عمومی کشور شود. بر این اساس است که حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با توجه با جنگ نرم و وسیع دشمن بر ضد جمهوری اسلامی ایران، انگشت تأکید را بر بصیرت افزایی و افزایش قدرت تحلیل سیاسی ملت گذاشته اند. ایشان راه حل دفاعی و پاسخ هوشمندانه را، کاربست صحیح تربیت سیاسی می دانند که منجر به مصونیت سیاسی جامعه و تداوم و قوام ارزش های انقلابی می شود. بنابراین، مقاله حاضر با استفاده از ابزار کتابخانه ای و مبتنی بر توصیف و تحلیل آرای امام خمینی (ره) و رهنمود های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در پی تشریح و تبیین جایگاه تربیت سیاسی و نقش آن در پیشگیری از رخنه های سیاسی - فرهنگی در انقلاب اسلامی است.

کلید واژه ها: تربیت، سیاسی، آموزش و پرورش، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری.

۱. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام.

۲. کارشناس ارشد فقه و حقوق.

۳. کارشناس ارشد فقه و حقوق.



مقدمه

ارتباط نظام تربیتی با نظام و عناصر نهاد سیاسی، از دیر باز مورد توجه بوده و بسیاری از صاحب نظران به رابطه میان مقوله‌ای این دو بخش، اشاره کرده‌اند و پیوند تنگاتنگ نهادهای آموزشی و قدرت را، مورد تأکید قرار داده‌اند. «ارسطو» در این زمینه اظهار می‌کند: «در میان تمام چیزهایی که بیان کرده‌ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز- حتی اگر توسط تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود- در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به وسیله آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش و پرورش نیز با قوانین مزبور تطابق داشته باشند» (جی اسمیت، ۱۳۷۰: ۵۹). تأکید «ارسطو» بر ضرورت تجانس و سازگاری نظام آموزشی با نهاد حکومت، بی‌جهت نبود. تجربه حکومت‌های یونانی، این جمع‌بندی را فرادید وی نهاد که ثبات اجتماعی و سیاسی از طریق نهادهای آموزشی پدید می‌آید. حکومت‌ها و قوانین اجتماعی در ارتباطی فعال با نظام آموزشی می‌زیند و امکان ادامه بقا می‌یابند. به مرور و با حضور عصر تغییر و تحول، نقش نهادهای آموزشی در تغییرات سیاسی و اجتماعی نیز مورد تأکید قرار گرفت. در این بازیافت‌ها، روشن شد که دوره تحول نیز جز با تغییرات در نظام آموزشی، ممکن نخواهد بود. در این نگاه، نقش آموزش و پرورش نه در ثبات، بلکه در تداوم و قوام نظام سیاسی، اساسی است.

در این میان، بررسی انقلاب‌های اجتماعی عصر حاضر از زاویه یاد شده، مورد اهمیت است؛ زیرا انقلاب‌ها، بارزترین و روشن‌ترین نمای تغییرات سیاسی، اجتماعی هستند. از این رو، بازبینی این نکته لازم است که انقلاب‌های یاد شده، چه رابطه‌ای با نظام آموزشی پیدا کرده‌اند و چه دیدگاهی را در ارتباط با نظام آموزشی داشته و دارند. در این میان، بررسی دیدگاه امام‌راحل در خصوص این نکته که چگونه و با چه تمهیداتی میان نهادهای آموزشی و نظام سیاسی، رابطه برقرار کرده‌اند و یا حداقل از چه ارتباطی دفاع می‌کنند ضروری می‌نماید. حضرت ایشان به عنوان رهبر یکی از انقلاب‌های پدافند و مؤثر، همواره از ارتباط «تربیت» و

«سیاست» سخن گفته‌اند و تربیت سیاسی را یکی از مواد و عناصر ضروری در نظام آموزشی، تلقی کرده‌اند. بر این اساس ایشان می‌فرمایند: «آقایان که تربیت بچه‌ها را می‌کنند، مسائل سیاسی روز را هم به آنها تعلیم نکنند. نمی‌گویم همه آن این باشد. همه چیز باید باشد. یک بچه‌ای که از یک مدرسه بیرون می‌آید، باید مسائل دینی‌اش را بداند. مسائل نماز و روزه‌اش را بداند. هم تربیت های علمی بشود... و هم تربیت سیاسی» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۰۹).

همچنین مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز با اشاره به اهمیت تربیت سیاسی، توجه همگان را به تقویت و افزایش بصیرت سیاسی معطوف می‌کند که این موضوع بیش از پیش اهمیت و نقش این مولفه را روشن می‌سازد. ایشان می‌فرمایند: «عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می‌آید، بر اثر یکی از این دو است؛ یا عدم بصیرت یا عدم صبر یا دچار غفلت می‌شوند، واقعیت‌ها را تشخیص نمی‌دهند، حقایق را نمی‌فهمند...» (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای / سخنرانی ۱۳۷۷/۰۸/۱۲).

بنابراین، از دیدگاه ایشان تعمیق و گسترش بصیرت می‌تواند پاسخی جدی در برابر مشکلات فرهنگی، تربیتی جامعه باشد؛ به عبارتی، از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) راه مقابله با تهاجم فرهنگی جبهه استکبار، گسترش و تعمیق رسالت های فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه های اخلاقی، رفتارهای فردی و اجتماعی، عقاید و باورهای دینی و مسائل سیاسی است؛ که به زعم ایشان جبهه استکبار طی ۲۵ سال اخیر سعی نموده است که با توطئه ها و اقدام ها در عرصه فرهنگی با عناوینی (از منظر ایشان) نظیر «تهاجم فرهنگی»، «شیخون فرهنگی»، «ناتوی فرهنگی»، «جنگ نرم» و «رخنه فرهنگی» به جبهه انقلاب اسلامی ضربه وارد کند.

این مسئله آن چنان برای ایشان ملموس و جدی است که به تازگی نیز با طرح مفهومی جدید به نام «رخنه فرهنگی»، سعی دشمن در جهت نفوذ و راهیابی به پیکره فرهنگی انقلاب اسلامی را گوشزد کردند. معظم له درباره رخنه فرهنگی می‌فرمایند: «هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه های فرهنگی بسیار خطرناک است، باید حساس باشند،





باید هوشیار باشند... اینک بیینیم کسانی با استفاده از هنر، با استفاده از ابزارهای گوناگون، با استفاده از پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را مورد تهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند... دستگاه های رسمی فرهنگی کشور باید وظایف خودشان را در مقابل اینها انجام بدهند. البته بعضی از وظایف، وظایف ایجابی است، بعضی از وظایف هم دفاعی است. هر دوی اینها باید انجام بگیرد: هم وظایف ایجابی، هم وظایف دفاعی» (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای / سخنرانی ۱۳۹۳/۰۱/۱).

این پیام خطاب به همه مسئولان فرهنگی کشور گوشزد می کند که آنها موظف به انجام اقدامات ایجابی و دفاعی در برابر تهاجم و رخنه فرهنگی دشمن می باشند. بر واضح است که در این اثنا، جایگاه و نقش تربیت و آموزش صحیح نظیر تربیت سیاسی، برجسته و متمایز می شود. بنابراین، شایسته است در بررسی ابعاد دیدگاه های تربیتی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، این نکته مغفول نماند و اهمیت خود را بیابد. نگارنده، در این نوشته، به اجمال و ایجاز می کوشد نگاهی - هرچند سریع - بر این منظر بیفکند و تلقی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) را - به زعم خویش - ارائه کند و صد البته، مجال کوتاه و بضاعت نویسنده، مانع از آن است که بحث به کمال و تمام خویش، عرضه شود.

اهمیت و ضرورت تربیت سیاسی

متولی اصلی و نهاد رسمی نظام آموزشی، تربیتی کشور، آموزش و پرورش است. این نهاد با کارکردهای مختلف خویش، تعریف شده است. در میان این کارکردها، کم و بیش به مسئله «پرورش سیاسی» اشاره شده است. فراگردی که از راه آن افراد جامعه، نگرش ها و احساسات مربوط به نظام سیاسی و نقش خود را در آن، کسب می کنند. گرچه مسئله آموزش و تربیت، فقط منحصر در این نهاد نیست؛ بلکه سایر نهادهای رسمی و غیر رسمی دیگری نیز وجود دارند که تاثیر گذار می باشند.

به نوشته برخی از مؤلفان: «نظام آموزش و پرورش یکی از کارگزاران مسئول در فراگرد پرورش

سیاسی است. محققان... همبستگی‌های مثبتی بین آموزش و پرورش و آگاهی و مشارکت سیاسی مشاهده کرده و نتیجه گرفته‌اند که برخورداری از تحصیلات رسمی، بالاترین تأثیر را بر نگرش‌های سیاسی دارد.» (علاقه‌بند، ۱۳۷۲: ۷۴).

امام راحل، بر این بُعد از کارکردهای آموزش و پرورش، تأکید جدی داشته‌اند و بارها و بارها، از اهمیت آن سخن گفته‌اند. امام خمینی (ره)، پرورش سیاسی را جزئی اساسی از نظام تعلیم و تربیت شمرده‌اند. بخشی که به هیچ وجه، نباید به غفلت سپرده شود و یا کم‌رنگ گردد. در سخنرانی که امام با جمعی از فرهنگیان داشته‌اند، چنین اظهار فرموده‌اند: «این جوانان که دست ما هستند و با آنها رابطه داریم، اینها را باید تربیت اسلامی، تربیت دینی و متوجه به مسائل روز کنیم. جوری باشد که از اول این بچه‌ها و جوانها، مسائل روز دستشان باشد و بفهمند که باید چه بکنند در آتیه» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۰۵).

همچنین، رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز با توجه به جایگاه رفیع تربیت سیاسی در شکل دهی شاکله سیاسی شخصیت افراد، اشاره می‌فرماید: «اگر من بخواهم یک توصیه بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید» (۱۳۸۸/۰۵/۱۸).

سخنان فوق، نشان دهنده مکانت تربیت سیاسی در دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است. بر این اساس، امام خمینی (ره) بارها، بر ضرورت توجه به مسائل سیاسی در نظام آموزشی، اشاره کرده‌اند. اشاراتی که به طور کامل نشان می‌دهد که امام (ره) پرورش و رشد سیاسی را به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات زندگی اجتماعی و دینی می‌داند و به صراحت به این موضوع اشاره می‌فرماید: «شما متصدیان مدرسه علوی - البته از قراری که تا حالا به من گفته‌اند - بسیار خوب عمل کرده‌اید... فقط یک نکته بوده است که اشکال داشتیم و آن نکته را از این به بعد، شما مورد نظرتان باشد و آن اینکه بچه‌های ما در هر زمان موافق، آن زمان، باید تربیت کنید، و در روایات هم هست که بچه‌ها را تربیت کنید، به غیر آن طوری که خودتان هستید. برای زمان آتیه. برای اینکه اینها در زمان آتیه باید دست به کار مملکت و کشور بشوند. شما بچه‌ها را از سیاست... دور نگه ندارید. دور نگه داشتن



بچه‌ها از سیاست، آن فرمی می‌شود که وقتی وارد اجتماع شدند، مثل یک آدم کوری وارد اجتماع بشوند... تربیت و تعلیم همه جانبه باید باشد؛ یعنی آن مقداری که کشور احتیاج به آن دارد، انسان احتیاج به آن دارد، خود شخص احتیاج به آن دارد، تعلیم و تربیت در آنجا به همه ابعاد باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۵؛ ۱۰۷-۱۰۶).

بیان هشدار دهنده و صریح امام (ره) با متصدیان یکی از مدارس دینی - در رژیم پیشین - نتیجه‌گیری گذشته را تأیید می‌کند که ایشان به جایگاه تربیت سیاسی در مجموعه نظام آموزشی، عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. تا بدان حد که برخلاف عرف متعارف ایشان در پرهیز از نقد جزئی و رویاروی از ابراز دیدگاه خویش نسبت به گذشته مدرسه یاد شده (که از مدارس مقید به کارکرد دینی اما بی‌توجه به کارکرد سیاسی بود) دریغ نکردند و تلقی خود را بدون هرگونه ابهام و اجمال، در اختیار آنان گذاشتند. آنان که با روش و منش امام آشنا نیستند، نیک در می‌یابند که مسئله یاد شده (یعنی ضرورت حضور عینی تر تربیت سیاسی در کارکرد نظام آموزشی) تا چه سطح و عمقی در نظر امام اهمیت داشته است که ایشان به جای طرح مطلب به صورت یک نگاه و نظر کلی، آن را به یک بحث عینی و جزئی، کشانده‌اند و از زاویه نقادی تاریخ گذشته آن مدرسه، باور خویش را منتقل کرده‌اند.

ارکان تربیت سیاسی

در پرورش سیاسی، بر سه عنصر اصلی تأکید شده است:

- ۱- شناخت سیاسی: شخص درباره نظام سیاسی چه می‌داند و چه اعتقادی دارد؟
- ۲- احساس سیاسی: شخص چه احساسی نسبت به نظام دارد؟ (شامل وظیفه شناسی، وفاداری، حس تعهدات شهروندی و ...).
- ۳- حس شایستگی سیاسی: نقش شخص در نظام سیاسی چیست و چه می‌تواند باشد؟ (علاقه‌بند، ۱۳۷۲: ۷۴).

همچنین امام خمینی (ره) با توجه به ابعاد یاد شده، از چگونگی پرورش سیاسی در هر بعد، سخن گفته‌اند که در سطور ذیل، گوشه‌ای از این برداشت‌ها را مشاهده می‌کنید.

۱- شناخت سیاسی

امام خمینی (ره) در تکمیل معرفت و شناخت سیاسی نسل معاصر، سهم عمده‌ای داشتند و گونه‌ای خاص از دانش سیاسی را در مغز و جان آموزش جوانان کشور - و به طور اعم نسل معاصر آفریدند. بحث مبسوط در این زمینه، خود مجال واسع می‌طلبد تا منظومه معرفت‌شناختی سیاسی امام (ره) تبیین و تحلیل شود. از این رو به رهنمودی از مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این زمینه اشاره می‌گردد که وافی سخن ماست. ایشان می‌فرمایند: «بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع، این بصیرت‌ها لازم است» (۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

۲- احساس سیاسی

نظام‌های سیاسی - حتی عقلانی‌ترین آنها - به احساساتی ویژه در شهروندان خویش نیازمندند. احساسی که بتواند رابطه شناختی - معرفتی را تعمیق بخشد، پایدار کند و یا حداقل به استواری آن مدد رساند. در این میان، نظام‌های انقلابی به این نکته وابسته‌ترند. این نظام‌ها، از یکسو داعیه تغییر و دگرگونی را دارند و از سوی دیگر پس از پیروزی، به تثبیت و تحکیم موقعیت خویش در برابر بازمانده‌های رژیم قبل از انقلاب - و نیز داعیه‌داران جدید - سخت محتاج‌اند. ترکیب دو عنصر تغییر و علاقه به ثبات در نظام‌های انقلابی، ایجاب می‌کند که احساسی متناسب پدید آید تا بتواند شهروندان انقلابی را، در عین شور و اشتیاق به تحول و دگرگونی، به حفظ و تحکیم اساس نظام انقلابی، وفادار نگاه دارد که این نکته خود از پیچیدگی‌های دوره گذار انقلاب هاست. دوره‌ای که اگر کارگزاران و رهبران انقلاب در تلفیق معرفت و احساس متناسب با این دوره کوتاهی ورزند یا روحیه تغییر و تحول‌خواهی، چون سیلاب بنیان برانداز، خود نظام سیاسی انقلابی را درهم خواهد ریخت و یا به سرعت عناصر تغییرخواهانه نهضت، به رکود می‌انجامد و سرخوردگی سیاسی را در جامعه انقلابی پدید خواهد آورد.

از نکات بسیار اساسی در بینش امام خمینی (ره)، ترکیب و تلفیق موفق دو بخش عناصر احساسی است. پیروان ایشان، وفاداری به نظام سیاسی راه، با شور و شوقی تحول‌طلبانه آمیخته



بودند و این ترکیب، به واسطهٔ رهنمودهای اصولی بود که ایشان به تناوب و در موارد مختلف یادآور شدند.

در این بخش، به اجمال می‌کوشیم نکاتی را که حضرت امام (ره)، در پرورش احساس سیاسی جامعه بازگو کردند و بر آن تأکید داشتند، باز نمایانده شود و به تأکید نشان داده شود که چگونه ایشان، با درایت و تیزبینی، این تلفیق موفق را پی گرفتند و دو عنصر ثبات و تغییر را پا به پای یکدیگر، در احساس اجتماعی جامعهٔ انقلابی جای دادند.

الف - احساس لزوم حفظ نظام

امام (ره) بارها و بارها از ضرورت حفظ نظام سیاسی سخن گفته‌اند و آن را وظیفهٔ شرعی - ملی دانسته‌اند. از ابتدای پیروزی انقلاب تا مقطع رحلت، به مناسبت‌های مختلف بر این تکلیف، تأکید کرده‌اند. با وجود دولت‌های مختلف که در این دوره بر سر کار آمدند، اما حضرت ایشان تقریباً با بیان و خطابی مشابه، ضرورت و وجوب حمایت از نظام سیاسی و احساس تعهد و وفاداری نسبت به آن را بازگو کرده‌اند که از جمله، خطاب ذیل را می‌توان برشمرد:

«امروز ما مواجه با همه قدرت‌ها هستیم و آنها در خارج و داخل طرح ریزی می‌کنند برای اینکه این انقلاب را بشکنند و این نهضت اسلامی و جمهوری اسلامی را شکست بدهند و نابود کنند... حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است. برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام.. اسلام یک ودیعهٔ الهی است پیش ملت‌ها که این ودیعهٔ الهی برای تربیت افراد و برای خدمت به خود افراد است و حفظ دین، بر همه کس واجب عینی است.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۲۲۱).

تأکیدات مکرر و بلیغ امام خمینی (ره) بر وجوب حفظ نظام، چنان بود که توانست این اصل را به گونهٔ یکی از اصول محوری تفکر حضرت ایشان درآورد. امام، با وجود پذیرش انتقاد و اظهار اختلافات حزبی و گروهی، هرگاه که مسئله «حفظ نظام» و کلیت نظام سیاسی در کار بود، به دفاعی سرسختانه از هویت و کلیت نظام پرداختند. این گونه حمایت‌ها چه در دورهٔ دولت موقت، چه بعد آن تداوم پیدا کرد. بدان حد که در این زمینه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرماید: «آنچه این ملت را



پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی [آنان در حفظ انقلاب اسلامی] (۱۳۸۳/۰۴/۱۶).

ب- روحیه اعتماد به نفس و استقلال فرهنگی

تغییر معادله قدرت میان جهان اسلام و غرب، القائنات استعمارگران، تبلیغات غریبزدگان و... موجب شد که جهان اسلام - و جامعه ایرانی - دچار ضعف شخصیت اجتماعی و بحران هویت شود. انقلاب اسلامی و رهبری آن، در راه بازگشت به هویت و اعتماد به خویشتن، تلاش کرد و تمام همت خویش را بر آن نهاد تا نسلی خودباور را بیوراند، اوهام سرگشتگی و یاریشه‌گی را بزاید؛ نسل معاصر جهان اسلام را، به ریشه تاریخی خویش واقف کند و امید به آینده را در جان وی زنده سازد.

بیان و کلام امام (ره) سرشار از اعتماد به نفس و القای این روحیه است. از جمله، این فرموده شریف است: «اتکال به نفس، بعد از اعتماد به خداوند، منشأ خیرات است و اگر کشورها ما را آرام بگذارند، مردم همه امور را اصلاح می‌کنند. مهم این است که شما خوتان را بیابید؛ زیرا در رژیم گذشته ما خودمان را گم کرده بودیم و آنها نمی‌گذاشتند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۷: ۶۵).

در بیان و خطابی دیگر به معلمان فرموده‌اند: «معلم‌ها جوان‌ها را مستقل، آزاد بار بیاورید، معتمد به نفسشان کنید. ما همه چیز داریم، لکن آنها همچو کردند که خیال کردیم هیچ نداریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۴۰).

امام (ره) در ملاقات و دیدار با عناصر تصمیم‌گیرنده در نظام تعلیم و تربیت کشور، به کرات بر القای احساس اعتماد به خویشتن در نسل نوین، تأکید ورزیده‌اند و آن را از اهم وظایف نظام تربیتی کشور دانسته‌اند. ایشان در دیداری با وزیر وقت آموزش و پرورش و مدیران آن، فرموده‌اند: «باید از همان بچه‌ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی به انسان اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشیم که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند... تکرار می‌کنم ما باید باورمان شود که چیزی هستیم. اگر اعتقاد پیدا کردیم که چیزی هستیم، اگر اعتقاد پیدا کردیم که می‌توانیم هر کاری را انجام دهیم، توانا می‌شویم.



شما هم اعتقاد پیدا کنید که می‌توانید. مغزهایی باید شست و شو و مغزهایی که متکی به خود است، جای آن را بگیرد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۱۹۲).

در باور امام (ره) احساس اعتماد به خود و استقلال فرهنگی باید از دوره اولیه تعلیم و تربیت و از تمامی راه‌های آموزشی صورت گیرد. تنها مدرسه و دانشگاه، مکلف بدان نیست، بلکه باید کلیه ابزارهای تعلیم و تربیت در خدمت تکوین و اعتلای این روحیه، به کار گرفته شود. بنابراین ایشان می‌فرمایند:

«حتی آنکه برای بچه‌ها نمایش داده می‌شود، باید یک جوری باشد که این بچه را از اول یک طوری بار بیاورد که مستقل باشد در فکر» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۰: ۱۲).

با توجه به رهنمود فوق است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز مکرر می‌فرمایند «کشور ایران باید به دست ایرانی‌ها آباد بشود. این یک تفکر و یک راه و روش است. نیت و همت ملت ایران باید این باشد که کشور را خودشان بسازند» (۱۳۷۰/۰۹/۱۳).

ج - احساس عزت و اقتدار

نظام انقلابی، بازگشت به عزت و اقتدار غارت رفته را از اهداف اساسی خود قلمداد کرد. رهبری انقلاب، بیش از همگان، بر این نکته پای فشرد و آن را از اهم آمال و آرزوهای نهضت دانست. در نتیجه، سربلندی و اقتدار جهان اسلام و مردم ایران زمین - و تغییر معادله قدرت در روابط با غرب - از اهداف راهبردی و تبدیل‌ناپذیر نظام انقلابی به شمار آمد.

شعار «بازگشت به عزت و اقتدار» در صورتی می‌توانست فراگیر شود و پایدار بماند که احساس متناسب این شعار، در روحیه شهروندان نظام پدید آید. در غیر این صورت، این شعار می‌توانست به زودی از قالب یک آرمان ملی خارج شود و به صورت یک شعار میان تهی درآید.

تأکیدات مستمر امام خمینی (ره) در احیای فرهنگ عزت در جامعه، در مسیر تحقق مسئله فوق، بود. ایشان در این زمینه فرمودند: «ما اگر سر سفره، نان جوین داشته باشیم، بهتر است تا در پارک‌های بزرگ زندگی کنیم، ولی از آنجا دستمان به طرف دیگران دراز باشد. شرافت این را اقتضا می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۱۷۵).

همچنین در همین زمینه، مقام معظم رهبری (مدظله العالی) فرمودند:

« کاری که تخریب‌کنندگان فرهنگ انجام می دهند این است که به جای عزم راسخ ملی، تردید را در مردم ترویج می کنند. یک ملت تا عزم نداشتن باشد، نمی تواند به هیچ جا برسد. سعی می کنند عزم راسخ ملت را در مسائل مهمّ مربوط به سرنوشت کشور به هم بزنند. در آنها تردید ایجاد کنند. جای احساس عزّت و اعتماد به نفس ملی، احساس حقارت ملی را به آنها تزریق می کنند. جای ایمان راسخ، شبهه‌افکنی و بی‌اعتقادی؛ جای کار و تلاش و همت بلند، لذّت‌جویی و شهوت‌رانی و از این قبیل. این کارها کارهایی است که انجام می گیرد» (۱۳۹۳/۰۱/۱).

د- فرهنگ استقامت و شهادت

امام خمینی (ره) بارها تأکید داشتند که پیروزی بر رژیم پیشین، آغاز راه است و نه پایان خط. قدرت طلبان و عوامل آنان، از کوشش و تلاش باز نخواهند ایستاد و جز به سرنگونی یا انحراف نهضت، رضایت نخواهند داد. امام با این تلقی، روند آینده نهضت و انقلاب را سرشار از مخاطره و حادثه دریافتند و هشدارها و تذکرات مناسب با این آینده پر مخاطره را یادآور شدند؛ چنان که در این زمینه می فرمایند: «از صدر اسلام تاکنون، دو طریقه، دو خط بوده است: یک خط اشخاص راحت طلب، که تمام همشان به این است که یک طعمه‌ای پیدا کنند و بخورند و بخوابند و عبادت خدا هم - آنهایی که مسلمان بودند - می‌کردند؛ اما مقدم بر هر چیزی در نظر آنها راحت طلبی بود... تکلیف را این می‌دانستند که نمازی بخوانند و روزه‌ای بگیرند و بنشینند در منزلشان ذکر می‌گویند و ... یک دسته دیگر هم انبیا بوده‌اند و اولیای بزرگ... این دسته‌ای که خودشان را از اول مهیا کرده‌اند برای مقابله، مقابله با ظلم. این دسته از اول توجه به این معنا داشتند که این مقابله زحمت دارد، این مقابله شهادت دارد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۴۵).

امام (ره)، با تبلیغ و تأکید بر «فرهنگ استقامت»، تلاش داشتند مسؤلیت‌پذیری اجتماعی را در جامعه، رشد و اعتلا بخشند و آنان را به مسؤلیت‌های خویش در برابر حوادث مهیا و آماده



سازند. به نظر امام(ره)، قدرت های بزرگ و عوامل آن با مماشات و مدهانه، از کینه‌توزی و بلوا سازی دست برنخواهند داشت. ایشان به تأکید باور داشتند که استکبار قلدرپیشه، جز به فنا و نابودی نهضت و عناصر فکری آن رضایت نخواهد داد و راه های مختلفی را برای نابودی و حذف آن خواهد پیمود. از این رو در مسیر نهضت، جز همگامی و همدلی ملت در برابر مشکلات، چاره‌ای نبوده و نیست و این مهم، جز با احیا و اعتلای فرهنگ تحمل و شهادت، میسر نخواهد بود. براین اساس است که مقام معظم رهبری می فرمایند: «ایستادگی جمهوری اسلامی ایران بر روی مبانی و اصول خود و پای فشردن بر باورهای خود- چه باورهای سیاسی و چه باورهای دینی- که موجب اقتدار او، عزت او، پیشرفت او و الگو شدن او در جوامع اسلامی شده، ناشی از ایمان دینی است.» (۱۳۸۶/۰۲/۲).

۳- حس شایستگی سیاسی

تربیت سیاسی، علاوه بر دو رکن شناخت و احساس سیاسی، نیازمند تعیین جایگاه فرد در نظام سیاسی است. شخص و موقعیت او در نظام، باید تفسیر شود، قابلیت های خویش را پیدا کند و به درستی دریابد که چه کارهایی در توان و در مسئولیت اوست. امام خمینی، در زمینه توضیح و تعیین نکته فوق، مطالب ذیل را یادآور شدند و فرمودند: «حضرت موسی بن جعفر را چون نماز می خواند، چون روزه می گرفت، چون مردم را دعوت می کرد به اینکه با هارون الرشید و اینها، بسازید هرچه آنها ظلم می کنند شما حرف نزنید، به زندان بردند؟ یا اینکه آنها می دیدند... برای دولت خطرناک است برای قدرت های اینها خطرناک است به حبس ایشان اقدام کردند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۱۶۶).

دوم اینکه، ایشان مسئولیت پذیری سیاسی را وظیفه و تکلیف دانسته اند گریز از مسئولیت روحیه انزوا و کناره گیری از مسئولیت سیاسی و اجتماعی را نکوهش کرده اند. از جمله خطاب به فرزند گرامی شان می نویسند:

«پسرم از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است، شانه خالی مکن که تاخت و تاز شیطان در این میدان، کمتر از میدان تاخت و تاز در بین

مسئولین و دست اندرکاران نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۶: ۱۷۶).

امام به عنوان یک استاد اخلاق و آموزگاری آشنا به زیر و بم آدمی، مطلب فوق را می کند. این نکته که شیطان در انزوا، چونان محیط اجتماعی حضور دارد و اگر وسوس او در آن محیط، بیشتر نباشد، حداقل کمتر نیست، توجه و تذکارتی آموزنده از آن استاد بزرگ اخلاق است. چه بسیار کسان که مسئولیت‌گریزی سیاسی و اجتماعی را به بهانه پرهیز از افتادن در دام های شیطانی، طرح و عنوان کرده‌اند و دوری از خدمت به خلق را با این دستاویز، توجیه نموده‌اند. امام با درایت و تیزی، فراخنای عمل شیطان را در گوشه خلوت چونان میدان خدمت و سیاست دانسته‌اند و آن بهانه و توجیه را، ناموجه نشان داده‌اند.

سوم اینکه، فعالیت سیاسی، در انحصار قشر و طبقه خاصی نیست، بلکه تمامی مردم باید خود را موظف به اجرای نقش سیاسی بدانند. تأکید امام بر حضور تمامی اقشار در میدان عمل و سیاست، در طول دوران مبارزه تا رحلت ایشان ادامه یافت. از جمله تأکیدات امام، لزوم دخالت سیاسی نسل تحصیلکرده در مسائل سیاسی و اجتماعی است. در مقطع انتخابات مجلس دوم، ایشان در برابر القائات برخی از گروه‌ها - که نتیجه‌ای جز حذف تعهد سیاسی در دانشگاهیان نداشت - چنین موضعگیری کردند:

«از قراری که من شنیده‌ام در دانشگاه بر بعضی از اشخاص رفته‌اند، گفته‌اند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا می‌گفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت بکنند. این منافی با حق مجتهدین است. آنجا شکست خورده‌اند. حالا عکسش را دارند می‌گویند. این هم روی همین زمینه است... دانشگاهی‌ها بدانند این را که همان طوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت بکند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند... بیدار باشید، توجه کنید، اینها با توطئه‌هایشان می‌خواهند کار را انجام بدهند... آن وقت شیطنت این بود که سیاست از مذهب خارج است و بسیار ضرر به ما زدند و ما بسیار ضرر خوردیم و آنها هم بسیار نفع بردند. این مطلب شکست خورده، حالا می‌گویند که سیاست حق مجتهدین است؛ یعنی



در امور سیاسی در ایران پانصد نفر دخالت کنند. باقی‌شان بروند سراغ کارشان... این از آن توطئه سابق بدتر است برای ایران... برای آنکه آن یک عده از علما را کنار می‌گذاشت. منتها به واسطه آنها هم یک قشر زیادی کنار گذاشته می‌شوند. این تمام ملت را می‌خواهد کنار بگذارد؛ یعنی نه اینکه این می‌خواهد مجتهد را داخل کند، این می‌خواهد مجتهد را با دست همین ملت از بین ببرد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۱۸؛ ۲۴۶-۲۴۵).

مشابه خطاب و عتاب فوق، در ارتباط با حوزه‌ها نیز از حضرت ایشان صادر شده است به کرات تفکر جدایی دین از سیاست را در حوزه‌ها، مردود دانسته اند و ضرورت حضور فعال روحانیان را در عمل سیاسی یاد آور شدند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲۰: ۹۲).

۴- عوامل تربیت سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی چون دیگر اشکال و چهره‌های جامعه‌پذیری، در یک جریان مستمر شکل می‌گیرد. عوامل مختلف - با سهم‌های متفاوت - در شکل‌گیری شخصیت سیاسی فرد مؤثرند. بی‌تردید، برای یک نظام سیاسی، این نکته حایز اهمیت است که از عوامل مؤثر، سود جوید تا بتواند شخصیت سیاسی شهروندان را متناسب با نیازها و آرمان‌های سیاسی نظام، شکل دهد.

برخی از جامعه‌شناسان، عوامل شکل‌گیری شخصیت سیاسی فرد را به دو دسته تقسیم کرده‌اند. الف- عوامل اولیه جامعه‌پذیری سیاسی است که در این بخش، تماس‌های نزدیک و چهره به چهره، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را محقق می‌کند. عواملی چون خانواده، گروه همسالان و ... در این بخش می‌گنجند.

ب- عواملی که تماس‌های چهره به چهره و نزدیک، نقش چندانی در آن ندارند؛ عواملی مانند مدرسه، احزاب، اتحادیه‌ها، رسانه‌های گروهی و ... (قوام، ۱۳۷۱: ۷۶).

ما در این قسمت، به بررسی دیدگاه‌های امام راحل (ره) درباره چگونگی تأثیر این عوامل در شکل‌گیری شخصیت سیاسی افراد، خواهیم پرداخت.

الف- عوامل اولیه جامعه‌پذیری سیاسی

همان گونه که در سطور پیشین، ملاحظه شد، عواملی چون: خانواده و گروه‌های همسالان در زمره عوامل اولیه جامعه‌پذیری به طور مطلق و جامعه‌پذیری سیاسی - به گونه‌ی اخص شناخته شده‌اند.

نقش خانواده در شکل‌گیری شخصیت سیاسی: در کارکردهای نهاد خانواده، نکات مختلفی چون: کارکرد تولید، آموزش حرفه و فن، تعلیم و تربیت و ... ذکر گردیده، ولی در این میان به نقش «خانواده» در پرورش سیاسی، توجه کمتری مبذول شده است. از دیدگاه‌های معدود در این زمینه، نظر آقای قوام است که در این خصوص می‌نویسد: «تجربیات اولیه در مشارکت در تصمیم‌گیری خانواده، می‌تواند فهم کودک را در مورد صلاحیت سیاسی افزایش دهد و موجب مهارت وی در امور سیاسی شود. این مشارکت‌ها و کسب مهارت‌ها، زمینه شرکت فعال فرد به هنگام بزرگسالی در نظام سیاسی خواهد شد.» (قوام، ۱۳۷۱: ۷۸).

همچنین «بری استیسری» از جمله صاحب نظرانی است که اعتقاد دارند در خانواده‌ای که درباره مسائل آزادانه بحث می‌کنند، نوعی جامعه‌پذیری سیاسی شکل می‌گیرد که کودکان را به فراگیری شایستگی سیاسی و تعهدات مربوط به آن توانا می‌سازد.» (قوام، ۱۳۷۱: ۸۱)

امام خمینی (ره) بر تأثیرگذاری نهاد خانواده در تعلیم و تربیت و نقش این نهاد در شکل‌گیری شخصیت سیاسی تأکیدات پیوسته‌ای داشته‌اند که در این میان، به دو نکته مهم اشاره می‌شود: نخست تأثیری که نهاد خانواده در تربیت فرزندان، شجاع، مستقل و متعهد دارد، غیر قابل انکار است. امام، مبدأ پیدایش روحیه‌های شجاعت، اعتماد به نفس، استقلال فکری و ... را از درون خانواده دانسته‌اند و این نهاد را مسئول اولیه و اصلی پرورش روحیات یاد شده، تلقی کرده‌اند. بنابراین می‌فرمایند:

«زن‌ها، مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم، انسان ساز است و زنان نیز انسان ساز. وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهد شد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۵۳).





امام(ره) با بیان فوق و کلماتی مشابه، بر نقش نامرئی اما عینی نهاد خانواده - به ویژه مادران که ارتباطی عاطفی تر و پایدارتر را سامان می دهند - تأکید می کنند. این نقش، گرچه به ظاهر چندان دیده نمی شود، اما چون در امتداد زمان و در طول سالیان اولیه شخصیت پذیری کودک انجام می گیرد، تأثیری بس ژرف و عمیق در روحیه کودک برجای خواهد گذاشت. خانواده های شجاع، مستقل، متکی به خویش و غیر غربزده، بستر مناسب شکل گیری شخصیت سیاسی مناسب در نسل نو خواهند بود.

دوم اینکه، عناصر اصلی نهاد خانواده یعنی زن و مرد، در گرایش ها و ایده های سیاسی و نیز ثبات آن گرایش ها و اندیشه، نقش اساسی دارند. امام خمینی(ره)، به ویژه درباره تأثیر روحیه زنان بر حالات سیاسی مردان، سخنان مبسوط و مفصلی دارند. در تحلیل حضرت ایشان، اگر روحیه زنان یک جامعه، آمادگی استقامت و مبارزه را نداشته باشد، مردان آن جامعه، در پیکار از پای خواهند فتاد. بنابراین، در هر مبارزه و نبرد، نقش پشت پرده و حساس جامعه زنان کشور باید مورد توجه قرار گیرد. امام خمینی(ره) در این زمینه، چنین می گویند: «باید بگویم که آنها [بانوان] در صف اول واقع هستند برای اینکه مردها هم از آنها شجاع شدند، از مجاهدات آنها تشجیع شدند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۵: ۱۵۳). بدین گونه، حضرت امام(ره)، از نقش دوگانه نهاد خانواده در پرورش سیاسی سخن می گویند. از یک سو، تأثیری که در شکل گیری شخصیت در نسل آینده جامعه، برجای می گذارد و از سوی دیگر تأثیری که «زن خانواده» بر روحیه شجاعت، ایثار و استقامت شوهر و فرزندان بالغ خود برجای می نهد. این دو تأثیر باید در کنار هم باشند تا بتوان شخصیت و عمل سیاسی مناسب، از جامعه اسلامی انتظار داشت.

ب- عوامل ثانوی جامعه پذیری سیاسی

در عوامل ثانوی - و غیر چهره به چهره - پرورش سیاسی، مراکز مختلفی سهیم هستند. در میان این عوامل، نقش مراکز ذیل مهم تر است:

۱- مدارس و مؤسسات آموزشی: مراکز آموزشی، نقش مستقیم و آگاهانه در تعلیم و



تربیت ایفا می‌کنند و نقشی بسزا در پرورش سیاسی دارند. از دیر ایام، این نکته مورد توجه بوده است. «افلاطون» معتقد بود که تعلیم و تربیت، وسیله‌ای است که زمامدار می‌تواند به منظور ایجاد دولت هماهنگ با طبیعت بشر، از آن به نحو احسن استفاده کند. وی در کتاب قوانین به این مسئله اشاره می‌کند.

تذکرات مؤکد امام راحل در مورد مؤسسات آموزشی - به ویژه دانشگاه‌ها - اغلب برخاسته از این باور بود که پرورش مناسب سیاسی، جز با پالایش و بهسازی نظام آموزشی غیر ممکن است. هشدارهای متفاوت و پیوسته امام(ره) در زمینه مراکز آموزشی، برخاسته از همین درک بود. بنابراین نکات ذیل را می‌توان از حساسیت‌های ایشان استخراج کرد: اول اینکه مراکز آموزش، باید از نفوذ عناصر خودباخته مصونیت پیدا کند. این نکته، از تأکیدات مداوم امام راحل و است. ایشان به این مسئله توجه خاصی داشتند. در نتیجه، در یکی از سخنان و خطابه‌های خود، فرموده‌اند: «این طور نباشد که معلمین ما و مربی‌های جوان‌های ما تربیت مسکو شده باشند یا تربیت واشنگتن. ساده‌اندیشی است که ما گمان کنیم که باید همه اینها که تخصص دارند، هر طوری که می‌خواهند باشند، باید بیایند و ما از آنها استفاده کنیم. استفاده نمی‌توانیم بکنیم. اگر مرض ظاهری ما را یک متخصص خوب کند، امراض باطنی برای ما ایجاد می‌کند... از یک مرض کوچک به یک مرض بزرگ ما را می‌کشاند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ج ۶: ۵۳).

تعلق فکری حضرت امام(ره) به اصل فوق، چنان بود که در کل مقاطع تعلیم و تربیت، رعایت آن را ضروری می‌دانستند. در سخنانی که برای مسئولان نهضت سوادآموزی ... ایراد کردند، چنین اظهار داشتند: «همین برادرانی که برای سوادآموزی در تمام کشور همت گماشته‌اند، بدانند که باید افرادی وارد این عمل بشوند که سوابقشان معلوم باشد و کیفیت عملشان در سابق و لاحق معلوم بشود که خدای نخواستہ اشخاصی نباشند منحرف که بخواهند کودکان این کشور را از اول منحرف کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۳: ۲۶۹).

دوم اینکه امام(ره)، تأکید این نکته را هشدار دادند که باید از القائاتی که دانش‌پژوهان را، خودباخته



کند و از اعتماد به نفس آنان بکاهد، خودداری شود. در یکی از پیام‌های خویش، فرمود:

«مبادا اساتید و معلمینی که به واسطه معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی‌ها، بت برآشند و روحیه پیروی و تقلید و گداصفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ج ۱۵: ۱۵).

۲- رسانه‌های گروهی: در اهمیت رسانه‌های همگانی در دوره اخیر، سخن بسیار گفته‌اند. شاید بتوان گفت که یکی از تغییرات جدی در چهره جهانی، تغییر نظام اطلاعاتی و ارتباطی است. سرعت، گستره و عمق جامعه‌پذیری - و بویژه جامعه‌پذیری سیاسی - در عصر ارتباطات اطلاعاتی نوین، به طور کامل، متفاوت با دوره‌های پیشین است. قبل از هجوم رسانه‌های همگانی، یک کودک در دهکده‌ای که به کندی تغییر می‌کرد، بزرگ می‌شد و انگاره‌های خود را از منابع محدود و انگشت‌شمار - و از همه مهم‌تر خانواده - می‌گرفت. این منابع نخست اینکه پیام‌های خویش را به شکل گفتاری و عامیانه منتقل می‌کردند - که معمولاً پر از مکث و تکرار مکررات بود - و دوم اینکه در این پیام‌ها، اغلب منابع یکدیگر را تأیید می‌کردند.

در اثر نظام ارتباطی - اطلاعاتی نوین، تعداد راه‌هایی که فرد تصاویر و باورهای خویش را دریافت می‌کرد، افزایش یافت. کودک و جوان، دیگر تصورات خود را به تنهایی از طبیعت یا اطرافیان دریافت نمی‌دارد، بلکه روزنامه‌ها، مجلات، رادیو - تلویزیون و ... به وی، تلقی و ذهنیت می‌دهند (تافلر، ۱۳۷۶: ۲۱۶).

امام خمینی (ره)، به اهمیت ابزارهای اطلاع‌رسانی نوین آگاه بودند و در میان ابزارهای سمعی و تصویری، بر نقش رادیو - تلویزیون تأکید بیشتری مبذول داشتند. به نظر ایشان، نقش اساسی این دستگاه در نوع تربیت سیاسی و همچنین فراگیری و گستره آنها ایجاب می‌کند که در اداره آن باید دقت و توجه بیشتر شود چنان که فرمودند:

«اهمیت رادیو - تلویزیون بیشتر از همه است. این دستگاه‌ها، دستگاه‌های تربیتی

است. باید تمام اقشار ملت با این دستگاه‌ها تربیت شوند. یک دانشگاه عمومی است، دانشگاه دانشگاه موضعی است؛ این یک دانشگاه عمومی است؛ یعنی دانشگاهی است که در تمام سطح کشور گسترده است... باید این دستگاه، دستگاهی باشد که بعد از چند سال تمام قشر ملت را روشن کند. تمام را مبارز بار بیاورد. تمام را متفکر بار بیاورد. تمام اینها را مستقل بار بیاورد. آزادمش بار بیاورد. از غربزدگی بیرون کند. استقلال به مردم بدهد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ج ۵: ۲۰۳).

تعمق در جملات ایشان نشان می‌دهد که امام (ره) چه رسالتی را برای رادیو - تلویزیون انتظار داشتند. به نظر ایشان، این دستگاه موظف است روحیه مناسب با نظام سیاسی انقلاب را در جامعه آفریده و جامعه را، از خودباختگی و جذب به تمدن غربی دور کند و در آنان روح تفکر و اعتماد به نفس به وجود آورد. در نظر حضرت امام (ره)، این رسالت باید چون آب حیات در اندام و پیکره برنامه‌های رادیو - تلویزیون جاری باشد و هیچ برنامه‌ای از برنامه‌های این دو دستگاه، معارض با این اهداف و خواسته‌ها نباشد. امام خمینی (ره)، در خصوص سهم مطبوعات و نشریات در رشد و تربیت سیاسی جامعه سخنان مبسوط و مفصلی دارند. بارها و بارها از نقش قلم سخن گفتند و مسئولیت ارباب قلم را در ابعاد مختلف تربیت اجتماعی به ویژه تربیت سیاسی یادآور شدند. ایشان در خصوص تأثیرگذاری مجلات و مطبوعات فرمودند: «آنچه که بیش از همه در فرهنگ مردم تأثیر می‌گذارد، مجله و فرم مجله است. برای اینکه مجله و نحوه ارائه آن خیلی تأثیر دارد. این حتی خودش اگر مجله را هم نخواند، ورق زدن مجله، این خودش در روحیه‌اش تأثیر می‌گذارد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۳۵).

کلام فوق از ایشان حکایت از آن دارد که ابعاد تأثیر مطبوعات را نه تنها در خوانندگان بلکه در بینندگان آن نیز باید جست و جو کرد. نکته‌ای که خود بر تکلیف اصحاب قلم می‌افزاید. امام خمینی (ره) با تلقی فوق، بارها و بارها از ابعاد مسئولیت مطبوعات و نشریات، سخن گفتند و رهنمودهایی را پیرامون رسالت این رسانه مکتوب، بیان کردند. از جمله، در خطابه‌ای





فرمودند: «در باب نشریات خودتان می‌دانید که نقش نشریات در هر کشوری از همه چیزها بالاتر است. روزنامه‌ها و مجلات می‌توانند که یک کشوری را رشد بدهند و هدایت بدهند به راهی که صلاح کشور است و می‌توانند که به عکس عمل کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۴: ۲۴۸).

۳- مساجد و مؤسسات دینی: در کشورهای صنعتی، «احزاب» یکی از عوامل جامعه‌پذیری سیاسی شناخته شده‌اند. در کشور ما، به علل مختلف، احزاب و گروه‌های سیاسی، نقش چشمگیری در این مقوله نداشته‌اند. در بررسی علل آن، به عوامل مختلف می‌توان اشاره کرد؛ از جمله آنکه بخشی عظیم از کارکرهای احزاب سیاسی، توسط مساجد و حسینیه‌ها انجام می‌گردد نظیر، مشارکت‌های سیاسی در مواقع لزوم.

بنابراین، جنبش‌ها و نهضت‌های سدهٔ اخیر در کشورمان، اغلب حول محور «مساجد» شکل گرفته‌اند و به تاریخ سیاسی کشور، جهت بخشیده‌اند. امام خمینی (ره) با توجه به نقش تاریخی مساجد، فرموده‌اند: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده، از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در بیرق اسلام بوده است... شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیامبر اسلام و اصحاب آن مساجد را برای تبلیغات اسلام و حرکت اسلامی و برای قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۶: ۴۹)

امام (ره) معتقد بودند که پیروزی نهضت، نه تنها از نقش مساجد و ضرورت آن در ابعاد مختلف تربیتی به ویژه تربیت سیاسی، نکاسته بلکه بر اهمیت آن افزوده است. در هشدارهای اولیه پس از پیروزی، فرموده بودند:

«راه دیگری که الآن در نظر آنهاست، این است که این مراکزی که مربوط به روحانیت و ملت است، این مراکز را سست بکنند و کم‌کم از بین ببرند. وسوسه کنند به اینکه این آخوندها که از آنها کاری نمی‌آید، می‌روید توی مسجد چه کنید... مسجد محلی است که از مسجد باید امور، اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز

حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشد. این طور نباشد که خیال کنند حالا دیگر ما پیروز شدیم و دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۲: ۲۳۰).

۴- شعایر مذهبی: دیانت اسلام با تشریح و تأکید بر شعاعیری چون حج، نماز جمعه، نماز جماعت و موارد مشابه، زمینه نوعی خاص از جامعه پذیری سیاسی را پدید آورده است. مسلمانان با شرکت در این تجمعات، به انتقال و کسب گرایش های سیاسی - اجتماعی دست می یازند. براین نتیجه مقام معظم رهبری صحه می گذارند و می فرمایند: «در این کشور، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در هر جا که موفقیتی مشاهده شد، از این بود که در آنجا ارزش های اسلامی پیشرفت کرده بود» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱).

امام خمینی (ره) نیز بر این وجه از شعایر دینی، تأکید فراوان داشتند و در گسترش و تعمیق آن، تلاش مؤکد نشان دادند. ایشان، به مبلغان مذهبی، توصیه داشتند که از موقعیت تجمعات مذهبی، در افزایش دانش و آگاهی سیاسی جامعه، بهره برداری لازم را بنمایند. «به عهده علمای بلاد و خصوصاً ائمه جمعه هست... که در خطبه هایشان که یک فرصتی است که مردم مجتمع اند و مطالب را می شود گفت، تنبه بدهند مردم را که غفلت نکنند از این دست هایی که به خیانت می خواهند این انقلاب را متلاشی کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۲۳۸).

همچنین، ایشان در ارشاد به مبلغان در مراسم سنتی روضه و عزاداری فرموده اند: «عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از اینکه مسائل روز را گفتند، روضه را همان طور که سابق می خواندند و مرثیه را همان طور که سابق می خواندند، بخوانند و مردم را مهیا کنند برای فداکاری. این خون سیدالشهداست که خون های همه ملت های اسلامی را به جوش می آورد و این دستجات عزیز عاشوراست که مردم را به هیجان می آورد و برای اسلام و حفظ مقاصد اسلامی مهیا می کند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۱۵: ۲۰۴).

امام در بیان فوق، بر دو وجه تأثیرگذاری این مراسم، تأکید کرده اند. از یک سو با انتقال مسائل روز توسط مبلغان مذهبی، دانش و اطلاع سیاسی مخاطبان افزایش بیابد و از سوی دیگر، شکل و شیوه مراسم، روحیه شهادت طلبی و فداکاری را زنده نگاه دارد. روحیه ای



که نظام اسلامی - به واسطه اصطکاک با مخاطرات و حوادث - از شهروندان خویش، متوقع است و در تکامل و اعتلای این احساس، خود را موظف می‌داند. همچنین، تأکید امام(ره) بر مراسم «حج ابراهیمی» گوشه‌ای دیگر از این موضوع است. ایشان به موقعیت حج در شکل‌گیری معرفت و احساس سیاسی جهان اسلام، توجهی وافر داشتند. از این رو، در مناسبت‌های مختلف بر تلفیق سیاست با مراسم عبادی حج، تأکید کردند و مراسم حج را بدون انتقال معارف اسلام ناب محمدی را نا کارآمد می‌دانستند. براین اساس ایشان فرمودند:

«اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هرچه بیشتر و بهتر برگزار شود... اعلان برائت در حج، تجدید میثاق مبارزه و تمرین تشکل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت‌پرستی‌هاست و به شعار هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدای تعالی در برابر جنود ابلیس و ابلیس‌صفتان است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲۰: ۱۱۲).

نتیجه‌گیری

در آثار مکتوب و شفاهی امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) این نکته نهفته است که هرگونه حرکت سیاسی و اجتماعی بدون توجه به تربیت و تعلیم آحاد جامعه انسانی، تلاشی عقیم و بی نتیجه است. با تبیین آرا و اندیشه‌های امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری که پیروی از آنها موجب فلاح و سعادت دنیا و آخرت خواهد بود، می‌توان اذعان داشت که با آموزش و تربیت صحیح سیاسی، ثبات اجتماعی سیاسی فراهم می‌آید. تجربه حکومت‌هایی که توانستند به مدت طولانی به بقا خویش ادامه دهند، این جمع‌بندی را در فرایند ما قرار می‌دهد که ثبات اجتماعی، سیاسی، از طریق نهادهای آموزشی پدید می‌آید. حکومت‌ها و قوانین اجتماعی، در ارتباطی فعال با نظام آموزشی می‌زیند و امکان ادامه بقا می‌یابند. امروزه که جریان نوگرایانه به دلیل رشد فزاینده علوم در حال شکل

دهی جوامع نوین است، نقش نهادهای آموزشی در تغییرات سیاسی، اجتماعی بیش از پیش، مورد تأکید قرار گرفته است. در این بازیافت ها، روشن شده که دوره تحول نیز جز با تغییرات در نظام آموزشی ممکن نخواهد نشد. در این نگاه، نقش آموزش و پرورش نه در ثبات، بلکه در تداوم و قوام نظام سیاسی، ایفاگر نقشی اساسی است. براین اساس، جریان مترقی انقلاب اسلامی و اندیشه ولایت فقیه نیازمند آموزش و تربیت صحیح سیاسی است که از یک نسلی به نسل دیگر انتقال یابد و حتی از جامعه ایرانی به آن سوی مرزها بیش از گذشته کشیده شود. تنها راه بقای ارزش ها و تداوم آرمان های انقلاب اسلامی در گرو تربیت سیاسی است. از این طریق می توان در برابر هجمه های شدید فرهنگی و جنگ نرم دشمن، مقابله نمود و از شکل گیری رخنه های فرهنگی و سیاسی پیشگیری کرد که منجر به تأثیرگذاری مستقیم و غیر مستقیم بر مدیران و تصمیمات کلان و سیاستگذاری های آموزشی و تربیتی و عمومی کشور می شود.

براین اساس است که حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با توجه با جنگ نرم و وسیع دشمن بر ضد جمهوری اسلامی ایران، انگشت تأکید را بر بصیرت افزایی و افزایش قدرت تحلیل سیاسی ملت گذاشته اند. ایشان راه حل دفاعی و پاسخ هوشمندانه را، کاربست صحیح تربیت سیاسی می دانند که منجر به مصونیت سیاسی جامعه و تداوم و قوام ارزش های انقلابی می شود.



پیشنهادها

- برخی از مشکلات سیاسی، فرهنگی کنونی کشور، ناشی از کم توجهی به اهداف عالی تعلیم و تربیت سیاسی (عبودیت و قرب الهی) است؛ از این رو، باید به اصول و روش های تربیت انقلابی بیشتر توجه شود.

- برگزاری مستمر کلاس های آموزشی و دوره های ضمن خدمت برای مربیان سیاسی به منظور آشنایی بیشتر آنان با اصول و مبانی تربیت اسلامی، انقلابی با استفاده از صاحب نظران خبره.

- مردم، مسئولان، سازمان ها و نهادهای فرهنگی، دل سوختگان عرصه فرهنگ و دین، اندیشوران عرصه دین و فرهنگ و تمام فرهیختگان و فرهنگ دوستان در مجامع و سطوح مختلف به صورت جدی در راه پیشگیری از رخنه های فرهنگی با کاربرست صحیح تربیت سیاسی، تمام توان خویش را در این زمینه به کار گیرند.

منابع

۱. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۶)؛ صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی؛ چاپ اول؛ تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲. رجائی، غلامعلی، (۱۳۸۵)؛ برداشتهایی از سیره امام خمینی (ره)؛ تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی).
۴. جی اسمیت، فیلیپ، (۱۳۷۰)؛ فلسفه آموزش و پرورش؛ سعید بهشتی؛ خراسان رضوی: شرکت به نشر (آستان قدس).
۵. تافلر، آلوین، (۱۳۷۶)؛ موج سوم؛ شهیندخت خوارزمی؛ تهران: نشر نو.
۶. قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۱)؛ توسعه سیاسی و تحول اداری؛ تهران: نشر قومس.
۷. علاقه‌بند، علی، (۱۳۷۲)؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش؛ چاپ دهم؛ تهران: انتشارات بعثت.
۸. شریعتمداری، علی، (۱۳۸۳)؛ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. باقری، خسرو، (۱۳۸۴)؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی؛ چاپ دهم؛ جلد اول؛ تهران: انتشارات مدرسه.
۱۰. لنون، الکساندر. تی. جی، (۱۳۸۸)؛ کاربرد قدرت نرم؛ ترجمه سید محسن روحانی؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. فیرحی، داود، (۱۳۹۰)؛ فقه و سیاست در ایران معاصر؛ تهران: نشر نی.
۱۲. فوزی، یحیی، (۱۳۸۶)؛ تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران؛ تهران: انتشارات عروج.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۵)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ تهران: صدرا.
۱۴. رهنمایی، سید احمد؛ آسیب شناسی فرهنگی؛ مجله معرفت؛ شماره ۳۰، چاپ پاییز.
۱۶. ارونسون، الیوت، (۱۳۷۶)؛ روانشناسی اجتماعی؛ ترجمه حسین شکرکن؛ تهران: انتشارات رشد.
۱۷. صمدی، پروین، (۱۳۸۵)؛ اندیشه‌های نوین تربیتی؛ تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.